

عوامل ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره

مهدیه مرشد خنامان^۱

چکیده

ذلت، کلمه‌ای است که به احساس تحقیر، شرمندگی، یا بی‌ارزشی اشاره دارد. این احساس معمولاً زمانی به وجود می‌آید که فرد احساس کند مورد بی‌احترامی قرار گرفته، تحقیر شده، یا آبروی او رفته است. در قرآن کریم، به مفهوم «ذلت» در مورد بنی اسرائیل اشاره شده است. این ذلت، نه یک وضعیت ذاتی، بلکه نتیجه‌ی اعمال و نافرمانی‌های آن‌ها از دستورات الهی و انحرافشان از مسیر هدایت است. خداوند در آیاتی مانند آیه ۶۱ سوره بقره به بررسی عوامل ذلت بنی اسرائیل پرداخته است. مقاله حاضر با هدف تبیین عوامل ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره به روش توصیفی-تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. مهمترین یافته‌های تحقیق حاضر عبارتند از: ذلت و مسکنت تاریخی بنی اسرائیل، آن‌گونه که در آیه ۶۱ سوره بقره تحلیل شده است، نتیجه‌ای مستقیم از یک سلسله مراتب انحرافات فردی و آسیب‌های اجتماعی است. در سطح فردی، این ذلت ریشه در تنوع‌طلبی روحی (نماد بی‌قناعتی و تبادل اصول بنیادین با لذائذ پست‌تر)، عصیان مستمر (نافرمانی و طغیان) و در نهایت، کفر (انکار آگاهانه آیات الهی و ناسپاسی نسبت به نعمت‌ها) داشت. این ضعف‌های اخلاقی فردی، در مقیاس جامعه، به تجاوزگری (اعتداد) سازمان‌یافته، ظلم مستمر، و عبور از حدود الهی تبدیل شد که نهایت سنگدلی و عنادورزی با حقیقت را در عمل اجتماعی قتل ناحق انبیاء نشان داد. بدین‌ترتیب، قرآن این الگو را به عنوان یک پاتولوژی اخلاقی و اجتماعی معرفی می‌کند که در آن فروپاشی اصول ایمانی، از زیاده‌خواهی تا حذف فیزیکی مصلحان، مستقیماً موجب نزول خشم الهی و تحمیل ذلت و خواری پایدار بر آن قوم گردید.

کلیدواژه: آیه، بنی اسرائیل، عوامل ذلت، سوره بقره.

^۱. دانش آموخته سطح ۲، مرکز غیر حضوری قم.

مقدمه

بنی اسرائیل، که در زبان عبری «بنی اسرائیل» نامیده می‌شوند، به معنای «فرزندان یعقوب» هستند. یعقوب (که اسرائیل نیز نامیده می‌شد)، یکی از پیامبران الهی و نوه‌ی ابراهیم خلیل الله (علیهما السلام) بود. نسل او از طریق دوازده پسرش که هر کدام سرسلسله‌ی یکی از دوازده سبط (قبیله) شدند، گسترش یافت. این قوم، به دلیل پیمان‌شکنی‌ها و نافرمانی‌های مکرر، در طول تاریخ شاهد دوران‌های مختلفی از عزت و ذلت، حکومت و پراکندگی، و هدایت و گمراهی بوده‌اند. داستان آن‌ها در کتب آسمانی، به‌ویژه تورات و قرآن کریم، بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده و حاوی درس‌ها و عبرت‌های فراوانی برای هدایت بشر است.

در قرآن کریم، مفهوم «ذلت» برای بنی اسرائیل، در نتیجه‌ی اعمال و رفتارشان، بارها مورد اشاره قرار گرفته است. این ذلت، نه یک تقدیر ازلی و ابدی، بلکه پیامد مستقیم نافرمانی از دستورات الهی، پیمان‌شکنی، تکذیب آیات پروردگار، و قتل پیامبران بوده است. خداوند در آیاتی مانند سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶۱، بیان می‌دارد که به دلیل این گناهان، «ذلت» و «مسکنت» بر آن‌ها مقرر شده و در زمین پراکنده گردیدند. این ذلت، به معنای خواری، حقارت، و قرار گرفتن تحت سلطه و خشم الهی است که به عنوان عقوبتی برای اعمالشان، بر آن‌ها تحمیل شد.

اهمیت و ضرورت پرداختن به بحث ذلت بنی اسرائیل در آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی بقره، در درک عمیق‌تر سنت‌های الهی و پیامدهای نافرمانی از اوامر خداوند نهفته است. این آیه، یک یادآوری قدرتمند از این حقیقت است که عزت و سربلندی واقعی، در گرو اطاعت از پروردگار و پایبندی به عهد و پیمان‌های الهی است. در مقابل، شکستن این عهدها، تکذیب حق، و فساد در زمین، به طور قطع، انسان و جامعه را به سمت ذلت، خواری، و از دست دادن نعمت‌های الهی سوق می‌دهد.

مقاله حاضر با هدف تبیین بررسی عوامل ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره پاسخگوی سوالات زیر است:

۱- عوامل فردی ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره چیست؟

۲- عوامل اجتماعی ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره چیست؟

در زمینه بررسی عوامل ذلت بنی اسرائیل در ضمن کتب تفسیری نوشته‌های متعددی به رشته تحریر در آمده است از جمله:

مقاله «عبرتی از علل و عوامل انحرافات یهود در قرآن»؛ نوشته فاطمه ژیان که در سال (۱۳۹۲) به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله عوامل مؤثر در گمراهی و کجروی یهودیان در قرآن را به دو دسته تقسیم کرده است: یکی اعتقادات، افکار، اندیشه‌های باطل و توهمات غلط و اشتباهی که در اعماق جان یهود جا گرفته و دیگری صفات رذیله‌ای که جزء لاینفک زندگی یهودیان شده و از دیگر عوامل دخیل در گمراهی آنان است.

همچنین مقاله «ریشه‌ها و عوامل انحطاط اخلاقی یهود از منظر قرآن کریم»؛ نوشته رضا کهساری و محمدحسین طاهری آکردی که در سال (۱۴۰۲) به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله با بررسی واژگان، مضامین و مفاهیم آیات قرآن، ابتدا ویژگی‌های عمومی یهود و سپس مهم‌ترین صفات اخلاقی ناپسندشان را مشخص کرده‌اند و در آخر، مهم‌ترین خصوصیات اعتقادی و اخلاقی یهود، که عوامل اصلی انحطاط یهود است پرداخته‌اند. اما مقاله حاضر در صدد است به تبیین عوامل فردی و اجتماعی ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره بپردازد.

۱- مفهوم ذلت

ذلت (به کسر اول) در لغت به معنی خواری و ضدّ عزت است.^۱ در اصطلاح به معنی خواری است که از آن در بابهای طهارت و امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته‌اند. پرداختن به اموری که موجب خواری انسان می‌شود مکروه و خوار کردن مؤمن حرام است و از موارد مشروعیت تیمم، موردی است که تحصیل آب موجب ذلت انسان گردد.^۲

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۷۵.

۲. هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۷۱۰.

۲- عوامل فردی ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره

در قرآن کریم، «ذلت» بنی اسرائیل به عنوان پیامد مستقیم نافرمانی‌ها و گناهانشان مطرح شده است. این ذلت، نه یک سرنوشت جبری، بلکه نتیجه‌ی اعمال آن‌هاست. در آیه ۶۱ سوره بقره عوامل فردی نیز در پدیداری ذلت بنی اسرائیل نقش بسزایی داشتند از جمله:

۲-۱- تنوع طلبی

تنوع طلبی، به میل یا رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد تمایل دارد، تجربیات متنوع و متفاوتی داشته باشد، می‌تواند شامل نقض تعهدات و قراردادهای رابطه باشد. تنوع طلبی بسته به فرهنگ و ارزش‌های فردی متفاوت است و برای درک عمیق آن باید انگیزه‌ها، تأثیرات بر روابط و راه‌های مدیریت آن برای کاهش آسیب بررسی شود.^۱

قرآن کریم، تنوع طلبی بنی اسرائیل را نه صرفاً یک ترجیح غذایی، بلکه نمادی از عدم قناعت، بی‌صبری و زیاده‌خواهی روحی معرفی می‌کند که عامل مهمی در ذلت آن‌ها بود. این ویژگی در داستان درخواست «من و سلوی» و سپس تمایل به «سبزیجات، خیار، سیر، عدس و پیاز به وضوح مشهود است:

«وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بَأْنَهُمْ كَانُوا يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»^۲؛ و چون گفتید:

^۱ . حسینی و همکاران، تنوع طلبی جنسی، سبک‌های دلبستگی ، شماره ۵۸، ص ۲.

^۲ . بقره: ۶۱

«ای موسی! هرگز بر یک [نوع] خوراک تاب نیاوریم، از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می‌رویاند، از [قبیل] سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز، برای ما برویاند» [موسی] گفت: «آیا به جای چیز بهتر، خواهان چیز پست‌ترید؟ پس به شهر فرود آیید، که آنچه را خواسته‌اید برای شما [در آنجا مهیا] است.» و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند؛ چرا که آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را بناحق می‌کشتند؛ این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند.

در ذی‌آیه مذکور بعضی مفسرین سوالی مطرح کردند، بدون شک، تنوع از لوازم زندگی و جزء خواسته‌های بشر است، کاملاً طبیعی است که انسان پس از مدتی از غذای یک نواخت خسته شود، این کار خلاقی نیست پس چگونه بنی اسرائیل با درخواست تنوع مورد سرزنش قرار گرفتند؟

در تفسیر پاسخ این سؤال با ذکر یک نکته بیان شده و آن اینکه در زندگی بشر حقایقی وجود دارد که اساس زندگی او را تشکیل می‌دهد و نباید فدای خور و خواب و لذائذ متنوع گردد. زمان‌هایی پیش می‌آید که توجه به این امور انسان را از هدف اصلی، از ایمان و پاکی و تقوی از آزادی و حریت باز می‌دارد، در اینجا است که باید به همه آنها پشت پا بزند. تنوع‌طلبی در حقیقت دام بزرگی است از سوی استعمارگران دیروز و امروز که با استفاده از آن، افراد آزاده را چنان اسیر انواع غذاها و لباس‌ها و مرکب‌ها و مسکن‌ها می‌کنند که خویشتن خویش را به کلی به دست فراموشی بسپارند و حلقه اسارت آنها را بر گردن نهند.^۱

۲-۲- عصیان

عَصِیان به معنای نافرمانی و خروج از طاعت است. اصل آن از تمانع به وسیله عصا است.^۲ عصیان،

^۱ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۷۹.

^۲ . راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۷۰.

طبیعتاً تعداد این کشته‌شدگان بسیار بیشتر بوده؛ به حدی که بنابر برخی روایات، بنی‌اسرائیل در یک روز سیصد پیامبر را کشتند. اینان در حالی پیامبران را می‌کشتند که علم به نبوتشان داشته و یقین داشتند که اینان فرستادگان خداوند هستند و با این عمل گناه خود را دو چندان می‌کردند.^۱

قرآن کریم، قتل انبیا توسط بنی‌اسرائیل را به عنوان یکی از برجسته‌ترین عوامل ذلت و مجازات‌های الهی برای آن‌ها مطرح می‌کند. این عمل نشان‌دهنده اوج سرکشی، عنادورزی با حقیقت و مقاومت در برابر اصلاح و هدایت است: «...ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»^۲؛ پیامبران را بناحق می‌کشتند؛ این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند.

از آیه فوق استفاده می‌شود که آنها گرفتار خواری و ذلت شدند به جهت اینکه مردان حق و فرستادگان خدا را می‌کشتند، این سنگدلی و قساوت و بی‌اعتنایی به قوانین الهی، بلکه تمام قوانین انسانی که حتی امروز نیز به روشنی در میان گروهی از یهود ادامه دارد، مایه آن ذلت و بدبختی شد.^۳

مراد از کشتن انبیاء بدون حق این است که اگر انبیا را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند که مثلاً فلان شخص پیغمبر خدا است و یا سهو می‌کردند، و یا به خطا می‌رفتند، می‌توانستیم بگوئیم که کشتن به حق بوده، ولی یهودیان، پیغمبران را با علم به اینکه پیغمبرانند کشتند، پس کشتن‌شان به غیر حق بود، و اگر خدای تعالی در این آیه شریفه سخن نامبرده یهود را در ردیف پیغمبرکشی آنان قرار داد، برای این بود که بفهماند آن سخن دست کمی از پیغمبر کشی نداشت، بلکه سخن عظیم و توهین بزرگی به ساحت مقدس خدا بود، و کلمه حریق در جمله: «نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ»، به معنای آتش و یا زبانه آتش است، بعضی گفته‌اند به معنای محرق (سوزاننده) است.^۴

۱. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲. بقره: ۶۱

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۱.

۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۴، صص ۱۲۹-۱۳۰.

منظور از بغیر حق، این نیست که می‌توان پیامبران را به حق کشت بلکه منظور این است که قتل پیامبران همیشه به غیر حق و ظالمانه بوده است و به اصطلاح بغیر حق قید توضیحی است که برای تاکید آمده.^۱

در تفسیر عیاشی در ذیل آیه مذکور از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده، که آن جناب قرائت کردند: (ذلک بانهم کانوا یکفرون بآیات الله، و یقتلون النبیین بغیر الحق، ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون)، و سپس فرمودند: به خدا سوگند انبیاء را با دست خود نزدند، و با شمشیرهای خود نکشتند، ولکن سخنان ایشان را شنیدند، و در نزد ناهلان، آن را فاش کردند، در نتیجه دشمن ایشان را گرفت، و کشت، پس مردم کاری کردند که انبیاء هم کشته شدند، و هم تجاوز شدند، و هم گرفتار مصائب گشتند.^۲

^۱ . مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۸۰.

^۲ . عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۵، ح ۵۱.

نتایج

نتایج تحقیق حاضر با عنوان «عوامل ذلت بنی اسرائیل در آیه ۶۱ سوره بقره» عبارتند از:

ذلت و خواری تاریخی بنی اسرائیل، که در آیه ۶۱ سوره بقره به آن اشاره شده، نه یک سرنوشت جبری، بلکه پیامد مستقیم یک سه‌گانه از انحرافات فردی و اخلاقی است. نخست، تنوع‌طلبی، که نه یک ترجیح ساده غذایی، بلکه نمادی از بی‌صبری، زیاده‌خواهی روحی و عدم قناعت بود که آن‌ها را وادار به تبادل نعمت‌های الهی برتر (منّ و سلوی) با خواسته‌های پست‌تر دنیوی (سبزیجات و پیاز) کرد. این روحیه، زمینه‌ساز دومین عامل، یعنی عصیان (نافرمانی و طغیان دائمی) شد؛ عصیانی که از حدود تعیین‌شده تجاوز کرد و منجر به قساوت قلب، و در نهایت ارتکاب جنایاتی چون قتل ناحق پیامبران گردید. این رفتارها در نهایت ریشه در کفر داشت، که به معنای انکار آگاهانه و عنادورزانه آیات و معجزات الهی و ناسپاسی مستمر نسبت به نعمت‌های بی‌شمار بود. قرآن با تأکید بر این توالی رفتاری (کفر، عصیان و تجاوز)، نتیجه می‌گیرد که این عوامل فردی و اخلاقی، مستقیماً به خشم الهی، ذلت و مسکنت جمعی بنی اسرائیل منتهی شدند. همچنین ذلت جمعی بنی اسرائیل، ریشه در دو عامل اصلی اجتماعی دارد که نمایانگر اوج انحطاط اخلاقی و ساختاری آن جامعه بود. عامل محوری، تجاوزگری (اعتداد) است؛ این تجاوزگری نه صرفاً نقض قوانین فردی، بلکه سرکشی سازمان‌یافته، ظلم مستمر و عبور آشکار از مرزهای تعیین‌شده الهی و انسانی بود که حتی نعمت‌های بزرگ خداوند را با ناسپاسی پاسخ دادند. نمود نهایی این تجاوزگری و قساوت قلب جمعی، قتل انبیاء بود؛ عملی که نشان‌دهنده عنادورزی شدید با حقیقت، مقاومت نظام‌مند در برابر اصلاح و حذف فیزیکی رهبران معنوی بود. این عمل، که حتی با سکوت و همکاری جامعه در افشای پیامبران (به روایت امام صادق) تسهیل می‌شد، اوج بی‌اعتنایی به هدایت الهی را بازتاب می‌دهد و مستقیماً به تحمیل ذلت، خواری و استحقاق خشم دائمی پروردگار بر آن قوم منجر شد.

منابع

• قرآن کریم

۱. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، قم: دار العرفان چاپ دهم، بی تا.
۲. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی، چاپ ۱، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیة، چاپ ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.
۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چاپ ۱، ۱۳۸۷ ه.ش.
۵. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۶. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، چاپ: ۱، ۱۳۶۳ ه.ش.
۷. صدر، رضا، تفسیر سوره حجرات، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، چاپ: ۲، ۱۳۷۹ ه.ش.
۸. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ: ۱، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، چاپ: ۳، ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۲. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران : مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن ، چاپ ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران : دار الکتب الإسلامية ، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ه.ش.

۱۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام ، قم : مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، ۱۳۸۴.

مقاله

۱۵. حسینی و همکاران، رقیه ، **"تنوع طلبی جنسی"**، مجله پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ش ۵۸، بی تا.